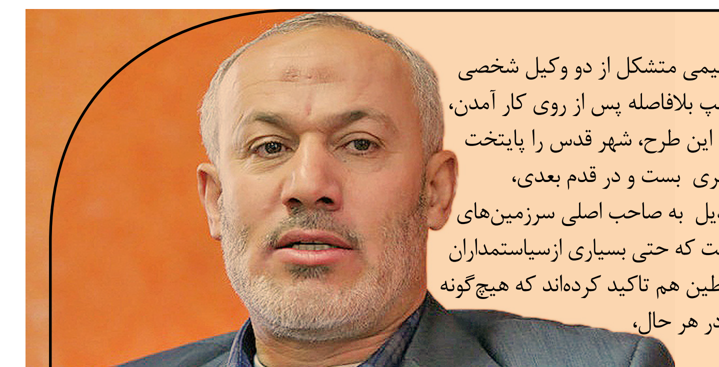

اشاره:
بعد از دو سال جنجال بر سر طرح موسوم به «معامله قرن»، دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا، گفته که این طرح توسط تیمی متشکل از دو وکیل شخصی سابق وی و دامادش «جارد کوشنر» تهیه شده است و تا پایان ماه ژانویه (اوایل بهمن) برای رونمایی آماده خواهد شد. ترامپ بلافاصله پس از روی کار آمدن، به خواسته کلیدی لابی اسرائیل در آمریکا تن داده و طرح معامله قرن را پایه‌گذاری کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در چارچوب این طرح، شهر قدس را پایتخت اسرائیل اعلام کرده است. ترامپ سپس، دفاتر دیپلماتیک فلسطینی‌ها را در واشنگتن و کنسولگری آمریکا را در کرانه باختری بست و در قدم بعدی، سفارت این کشور را به شهر قدس شریف منتقل کرد. این اتفاقات در مجموع، باعث شد که رژیم نامشروع صهیونیستی تبدیل به صاحب اصلی سرزمین‌های اشغالی شده و حقوق فلسطینی‌ها بر سرزمین مادری‌شان نادیده گرفته شود. در مجموع، طرح معامله قرن به قدری ظالمانه است که حتی بسیاری ازسیاستمداران اسرائیلی نیز آن را به تمسخر گرفتند و گفتند که این طرح زمینه را برای جنگ آماده می‌کند نه صلح! در مقابل، رهبران فلسطین هم تاکید کرده‌اند که هیچ‌گونه طرح سازشی را نمی‌پذیرند و آمریکا را نیز شریک جنایت‌های اسرائیل و مجری سیاست‌های رژیم صهیونیستی می‌دانند. در هر حال، فلسطینی‌ها اعلام کرده‌اند که هرگز اجازه نخواهند داد معامله قرن عملی شود.

«ناصر ابوشریف» نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین در ایران در گفت‌وگو با کیهان، با تایید مواضع رهبران مقاومت فلسطینی در قبال معامله قرن می‌گوید، معامله قرن یک طرح آمریکایی- صهیونیستی است و برای خدمت به رژیم صهیونیستی و حذف موضوع فلسطین مطرح شده است و به هیچ وجه قابل پذیرش نیست. ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

سرویس خارجی

در گفت‌وگوی نماینده جهاد اسلامی فلسطین با کیهان مطرح شد

فریده شریفی

اعلامیه بالفور آغاز و معامله قرن پایان رژیم نامشروع اسرائیل

اجرای طرح قانون یهود و معامله قرن در رژیم صهیونیستی بازتاب‌های بسیار بدی برای خود این رژیم دارد؛ نخستین مورد آن این است که ۲۰ درصد ساکنان رژیم صهیونیستی فلسطینی هستند و طبعاً تعداد زیادی از این فلسطینی‌ها مسلمان‌اند، ۹ درصدشان مسیحی‌اند و باقی افراد دروزی هستند. رژیم صهیونیستی به طور حتم با این‌ها درگیر خواهد شد.

*** دولت ترامپ با همدستی و همکاری رژیم صهیونیستی و کشورهای مرتجع عرب، طرح استعماری موسوم به معامله قرن را به میان کشیده است. طبق این طرح، رژیم صهیونیستی کشور ملت یهود و فلسطین نیز تحت حاکمیت محدود، کشور ملی فلسطینیان عنوان شده است. نظر شما درباره این طرح توطئه‌آمیز چیست؟**

معامله قرن یک طرح آمریکایی- صهیونیستی است که برای خدمت به رژیم صهیونیستی و حذف موضوع فلسطین مطرح شده است و آنها در واقع می‌خواهند با این طرح پیروزی صهیونیست‌ها بر اعراب و مسلمانان را اعلام کنند. بر اساس طرح معامله قرن، قدس تبدیل به پایتخت رژیم صهیونیستی می‌شود و ترامپ نیز در چارچوب آن، سفارت آمریکا را از تل‌آویو به قدس منتقل کرده است. همچنین، براساس این طرح، حق بازگشت فلسطینیان به سرزمین خودشان کاملا رد می‌شود و قطعنامه سازمان ملل، که حق بازگشت در آن درج شده است، لغو می‌گردد. اصولا حق بازگشت فلسطینیان به سرزمین‌شان، مصیبتی برای رژیم صهیونیستی است؛ چرا که تعداد فلسطینیان در خارج از سرزمین‌های اشغالی، هفت میلیون و ۵۰۰ هزار نفر است و اگر ما بخواهیم این را به ۶ میلیون و ۵۰۰ هزار فلسطینی در داخل سرزمین‌های اشغالی اضافه کنیم، جمعیت فلسطینی‌ها به تقریباً ۱۴ میلیون نفر می‌رسد. این تعداد بیشتر از شمار کل یهودیان سراسر جهان است. به همین دلیل، آنها (در قالب طرح معامله قرن)تلاش کردند حق بازگشت را لغو کنند و حق اسکان را تنها به یهودیان بدهند.

توطئه دیگری که در این زمینه و براساس معامله قرن انجام شد این بود که تلاش کردند موجودیت فلسطینیان را در فلسطین حذف کنند. در واقع می‌توان گفت که حق بازگشت یکی از مهم‌ترین محورهایی بود که رژیم صهیونیستی تلاش کرد که آن را تحت‌الشعاع قانون دولت یهود قرار داده و خیال خود را از این بابت راحت کند. قانون دولت یهود ارتباط زیادی با معامله قرن دارد و این آخرین مرحله از حذف موضوع فلسطین است و آنها می‌خواهند بدین شکل آن را دنبال کنند. به ویژه با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی حمایت کامل آمریکا از خودش را دارد و متاسفانه وضع کشورهای عربی و اسلامی بسیار بد است.

نکته بعد اینکه اجرای طرح قانون یهود در رژیم صهیونیستی بازتاب‌های بسیار بدی برای خود این رژیم دارد؛ نخستین مورد آن این است که ۲۰ درصد ساکنان رژیم صهیونیستی فلسطینی هستند و طبعاً تعداد زیادی از این فلسطینی‌ها مسلمان‌اند، ۹ درصدشان مسیحی‌اند و باقی افراد دروزی هستند. رژیم صهیونیستی به طور حتم با این‌ها درگیر خواهد شد. این درگیری، درگیری آسانی برای رژیم صهیونیستی نخواهد بود و آنها نمی‌توانند این درگیری را در سطح انتفاضه‌های قبلی بدانند. در گذشته، مقابله آنها با انتفاضه‌های غزه و کرانه باختری، در حد یک درگیری ساده بود. اما اگر این‌بار آنها بخواهند درگیر شوند با کسانی درگیر می‌شوند که شناسنامه اسرائیلی دارند و این موضوع برای رژیم صهیونیستی بسیار خطرناک خواهد بود. موضوع دیگر اینکه مناطق فلسطین اشغالی(۱۹۶۷) دیگر مثل مناطق غزه و کرانه باختری نیست که اسرائیل فرد مقابل خودش را به تروریسم متهم کند بلکه این افرادی که با آنها مقابله می‌کند خودشان شهروند سرزمین‌های اشغالی هستند. بنابراین، چنین درگیری‌ای برای آنها بسیار مهم و در عین حال بسیار دشوار است. امروز جامعه فلسطینی جامعه ساده‌ای نیست و آنها آموزش‌دیده هستند. به عنوان نمونه، بیشتر شعرای منطقه، فلسطینی هستند. از جمله «محمود درویش» که یک فلسطینی بوده و در داخل سرزمین‌های اشغالی سکونت دارد. همچنین، فیلسوف و دانشمند بزرگی همچون «عزمی بشاره»، یک فلسطینی است و شناسنامه اسرائیلی دارد. کتاب‌های این دانشمند بزرگ فلسطینی در دانشگاه‌های رژیم صهیونیستی تدریس می‌شود. وی عضو و نماینده کنست (مجلس رژیم صهیونیستی) بوده و به پنج زبان زنده دنیا مسلط است. مانند این فیلسوف فلسطینی، شخصیت‌های برجسته فرهنگی و علمی زیادی وجود دارند که در سرزمین‌های اشغالی زندگی می‌کنند و به همین دلیل، درگیر شدن با چنین افرادی برای رژیم صهیونیستی آسان نخواهد بود. در نهایت، تاکید می‌کنم قانونی که رژیم صهیونیستی تحت عنوان قانون یهود تدوین کرده، موضوع جدیدی نیست و فقط درگیری‌ها را در منطقه گسترش خواهد داد و موجب به وجود آمدن تنش‌های جدیدی می‌شود. زیرا (با ورود این قبیل قانون‌ها و طرح‌ها به عرصه) دیگر گفت‌وگوها و راه‌حل‌های پایان‌یافته تلقی می‌شوند و قانونی که در رژیم صهیونیستی تصویب شده، می‌تواند زمینه را برای اتحاد فلسطینیان فراهم سازد.

*** مردم نوار غزه از روز ۱۰ فروردین سال جاری تاکنون هر جمعه تظاهرات موسوم به «راهپیمایی روز بازگشت» را برگزار می‌کنند و جمعه گذشته نیز چهل و دومین راهپیمایی انجام شده است. در این مدت دست‌کم ۲۶۰ فلسطینی به شهادت رسیده و بیش از ۲۶ هزار نفر هم مجروح شده‌اند. برگزاری این راهپیمایی تا چه اندازه در دستیابی فلسطینیان به مطالبات برحق خود تاثیر دارد؟**

در سال ۱۹۴۸ میلادی وقتی رژیم صهیونیستی تشکیل شد، قوانینی را وضع کردند که یکی از آنها، قانون بازگشت بود. این قانون در واقع به همه یهودیان جهان این حق را می‌داد که به سرزمین‌های اشغالی بازگردند، به این بهانه که «فلسطین» سرزمین آنهاست. آنها در آن زمان این موضوع را بدین صورت جلوه دادند و این قانون به همه یهودیانی که به فلسطین وارد می‌شدند این امکان را می‌داد که فوری شناسنامه اسرائیلی دریافت کنند، اما درباره (مردم) فلسطین وضع کاملاً فرق می‌کرد. هرچند سازمان ملل قطعنامه ۱۹۴ را صادر کرده بود و برمبنای آن، به فلسطینیان این حق داده شده بود که به سرزمین خودشان برگردند، ولی این قطعنامه هرگز به اجرا در نیامد. اکنون نیز هنوز هم شاهد اجرای قانون بازگشت(یهودیان) به اراضی یهودی هستیم که از سوی رژیم صهیونیستی اجرا می‌شود.

در آغاز تشکیل رژیم صهیونیستی این رژیم خود را به عنوان رژیمی دموکراتیک جا زد و مدعی شد که در کنار یهودیان، همه اقلیت‌ها نیز برای خود حق و حقوقی دارند، اما طی ۷۰ سال اخیر ما شاهد بودیم که یهودیان ماهیت واقعی خودشان را نشان داده‌اند.

در هر حال، طبق قانون جدید دولت یهود ، که صهیونیست‌ها مدعی آن هستند، فقط یهودیان در فلسطین اشغالی حق زندگی دارند و فقط آنها هستند که حاکم این سرزمین و شهروند به حساب می‌آیند. همه افراد دیگر خواه فلسطینی، عرب یا غیر عرب، هیچ حقی در این سرزمین ندارند و فقط مقیم محسوب می‌شوند و مالک در واقع یهودیان هستند و باقی اقلیت‌ها هیچ حقی در این سرزمین ندارند. اکنون رژیم صهیونیستی ماهیت خود را به همه جهان نشان داده است. البته این قانون برای رژیم صهیونیستی کاملاً زیان‌بار است و حتی آنهایی که این قانون را وضع کرده‌اند یعنی یهودیان، در واقع می‌دانند این قانون چهره بسیار بدی را از رژیم صهیونیستی در دنیا ترسیم می‌کند. این چهره در حالی برملا می‌شود که رژیم صهیونیستی می‌کوشد خود را به عنوان یک رژیم دموکراتیک در یک منطقه پرآشوب جلوه دهد. در حال حاضر رژیم صهیونیستی مجبور است داستان‌هایی را که در ۷۰ سال گذشته ساخته بازنویسی کند. اما این ماجراجویی رژیم صهیونیستی دلایل بسیاری دارد. نخست اینکه تعداد فلسطینیان در سرزمین‌های تاریخی فلسطین بیشتر از یهودیان است. به همین دلیل، دوگانگی قومی در فلسطین، خطری را برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. بی‌شک صهیونیست‌ها تلاش کرده‌اند تا از این وضعیت خلاص شوند. آنها در این زمینه دو شیوه را پیش‌روی خود قرار دادند؛ نخست اینکه دو دولت را برای دو ملت ایجاد کنند، یکی کشور یهودی برای یهودیان و کشور فلسطین برای فلسطینیان، که طبعاً این را انجام ندادند. شیوه دوم، اعطای حق کامل به یهودیان بود که این را انجام دادند که فقط یهودیان حق داشته باشند که در این سرزمین سکونت کنند و باقی افراد تنها مقیم باشند.

موضوع بعد این است که اگر فضای بین‌المللی و منطقه‌ای آماده نبود، رژیم صهیونیستی هرگز نمی‌توانست این قانون را اجرایی کند. نخستین پارامتری که رژیم صهیونیستی در اختیار داشت، حمایت کامل آمریکا از آنها بود. واشنگتن در همه امور چه حق یا باطل، از رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. از سوی دیگر، گروهی که در حال حاضر دولت دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا را حمایت می‌کنند، همگی یهودی هستند. داماد ترامپ یعنی «جراد کوشنر» یک یهودی و موافق شهرک‌سازی است. همچنین، «گرینبلات» مشاور ترامپ یک یهودی طرفدار سرسخت شهرک‌سازی است. علاوه بر آنها، سفیر آمریکا در فلسطین اشغالی، نه تنها یک یهودی است، بلکه خودش در شهرک‌های رژیم صهیونیستی زندگی می‌کند. به همین دلیل، اعضای تیمی که ترامپ را همراهی می‌کنند، کلاً یهودی صهیونیست هستند و نه یهودی آمریکایی. آنها صهیونیست بودن خودشان را بر آمریکایی بودنشان ترجیح می‌دهند.

پارامتر دیگری که در این مورد اهمیت دارد، موضوع عربی و اسلامی بودن آن است؛ متاسفانه ما شاهدیم برخی حکام عرب از جمله «محمد بن‌سلمان» ولیعهد عربستان و همچنین ولیعهد امارات، آمادگی خودشان را برای همکاری با رژیم صهیونیستی اعلام کرده و این همکاری را از حالت محرمانه به حالت آشکارا درآورده‌اند. مجموعه این عوامل باعث شد تا رژیم صهیونیستی به صدور چنین قانونی(قانون دولت یهود) تشویق شود.

اما هدف از راهپیمایی‌های «روز بازگشت» دفاع از حق بازگشت مردم فلسطین به اراضی خودشان است. ۷۲ درصد از مردم غزه آواره هستند و این راهپیمایی‌ها بخشی از مبارزه مردم فلسطین است. مردم فلسطین با این کار می‌خواهند معادله خود را حفظ کنند. غزه در محاصره شدید قرار دارد و رژیم‌های عرب بیش از رژیم صهیونیستی علیه فلسطینی‌ها توطئه می‌کنند. گاهی اسرائیلی‌ها می‌خواهند این درگیری‌ها تا حدی آرام شود، اما بعضی از رژیم‌های عربی این اجازه را نمی‌دهند! ما تا حد امکان تلاش می‌کنیم با این معادله، از مقاومت مردم فلسطین حمایت کنیم. ما اگر بخواهیم در مسیر الهی گام برداریم، راهی جز ادامه مبارزه و مقاومت نداریم. اکثر مکاتب دیگر(غیراسلامی) در زمینه تحقق آرمان‌های ملت فلسطین و منطقه شکست خورده‌اند و ما در این میان، تنها راهکاری که داریم، راهکار دینی و مبارزاتی است که نتیجه‌بخش بوده است. نکته دیگر این است که صهیونیست‌ها تلاش کردند منطقه را تجزیه کرده و منابع آن را غارت کنند. باید تاکید کنم که خط صحیح برای موفقیت خط مقاومت و مبارزه است.

*** اگر کمک‌های دیگر کشورها به رژیم صهیونیستی نبود، آیا این رژیم می‌توانست به حیات خود ادامه دهد؟**

رژیم صهیونیستی براساس جنایت‌های ضدبشری بنا شده و علت شکل‌گیری آن، جنبش صهیونیسم بوده است. اما، (پیروان) جنبش صهیونیسم هرگز به تنهایی نمی‌توانستند این جنایات را انجام دهند؛ ابرقدرت‌هایی همچون انگلیس در کنار آنها بودند. انگلستان در آن زمان کمک‌های بسیار زیادی به جنبش صهیونیسم کرد، که مهم‌ترین آنها اعلامیه بالفور بود. با این حال، اخیرا و پس از ۱۰۰ سال ما شاهد بودیم که نخست‌وزیر انگلستان به جای عذرخواهی به خاطر امضای اعلامیه بالفور، با وقاحت آن را بزرگ‌ترین دستاورد انگلستان توصیف و به آن افتخار کرده است! در واقع، اعلامیه بالفور حق مردم فلسطین را سلب کرده و این حق را به مهاجرینی داد که از کشورهای مختلف دنیا به فلسطین آمده بودند. در آن زمان اروپا کاملا از یهودی‌ها ناامید بوده و می‌خواسته است از شرشان خلاص شود. به همین خاطر، کشورهای اروپایی آنها را به این شکل، به فلسطین فرستاده‌اند. این در زمانی بود که جنگ جهانی اول شعله‌ور بود و امپراتوری عثمانی پس از مدتی سقوط کرد. فلسطین که بخشی از امپراتوری عثمانی بود. ابتدا به‌اشغال انگلستان درآمد و سپس تحت قیمومیت این کشور قرار گرفت. در واقع با این اقدام، زمینه جنایت بزرگ علیه فلسطینیان فراهم شد.

معامله قرن یک طرح آمریکایی- صهیونیستی است که برای خدمت به رژیم صهیونیستی و حذف موضوع فلسطین مطرح شده است و آنها در واقع می‌خواهند با این طرح پیروزی صهیونیست‌ها بر اعراب و مسلمانان را اعلام کنند.

فلسطین تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت و اول قرار بود حکومت فلسطین، شکل خودگردان داشته باشد و مردم فلسطین حق تعیین سرنوشت خود را داشته باشند. اما انگلستان متاسفانه نقش دیگری را بازی کرد و به اصطلاح گوشت را به گربه داد و این همان شیوه‌ای بود که انگلستان علیه فلسطین انجام داده است. در واقع، انگلیسی‌ها زمینه را برای باندهای صهیونیستی فراهم کردند تا آنها بر فلسطین مسلط شوند و در آنجا به طور مکرر دست به جنایت بزنند. حتی در آن زمان «هربرت ساموئل» نماینده عالی انگلیس در فلسطین که خودش یک یهودی بود، ۱۰۰ هزار کارمند را با خود به فلسطین آورد، که ۸۰ هزار نفرشان نظامی بودند و هدف آنها نیز مقابله با هرگونه شورش مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی بوده است. همچنین به خاطر قیمومیت انگلیس، تعداد جمعیت یهودیان که در ابتدای قرن بیستم میلادی فقط ۱۴ هزار نفر بوده، در سال ۱۹۴۸ میلادی به ۱۸۰ هزار نفر افزایش پیدا کرده و همه این‌ها به خاطر کمک انگلیس بوده است. پس از اینکه باندهای صهیونیستی توانستند سلاح حمل کنند و به انواع سلاح مجهز شدند، انگلیس نیز از سرزمین‌های اشغالی خارج شد و آنجا را به باندهای صهیونیستی سپرد. اما همزمان، اگر یک فلسطینی گلوله‌ای به همراه داشت و یا سلاحی را حمل می‌کرد، براساس قانون قیمومیت انگلیس، اعدام می‌شد! بدین شکل بود که انگلیس زمینه را برای باندهای صهیونیستی فراهم کرده تا جنایت‌های ضد بشری خود را علیه فلسطینیان انجام دهند. حتی یک یهودی رژیم صهیونیستی، که دارای شناسنامه (اسرائیلی) است به نام «ایلان باوه»، کتابی را درباره جنایت‌های جنبش صهیونیسم در فلسطین نوشته است. او در کتاب خود این گونه نقل می‌کند که چگونه کشتار مردم فلسطین به وسیله رژیم صهیونیستی به شکلی بسیار سازمان‌یافته از قبل طراحی شده بود! پس از آن بوده که در سال ۱۹۴۸ میلادی دو سوم مردم فلسطین از سرزمین خودشان رانده شده‌اند و ۵۳۰ شهر و روستا در سرزمین‌های اشغالی نابود شده است. اما بزرگ‌ترین جنایتی که مردم فلسطین شاهد آن بودند، در سال ۱۹۴۸ میلادی رخ داده و آن تشکیل رژیم جنایتکار صهیونیستی بوده است. انگلستان، رژیم صهیونیستی و پس از آن جامعه بین‌الملل در طراحی این جنایت علیه فلسطینیان نقش داشته و کمک کرده‌اند که این جنایت علیه ملت فلسطین صورت گیرد.

تاریخ اعتصاب غذاها در زندان‌های صهیونیستی

نبرد دائمی فلسطینیان علیه اشغالگران اسرائیلی با «اعتصاب غذا»

اعتصاب نامحدود غذا یا آنچه از آن با عنوان «نبرد معده‌های خالی» یاد می‌شود، بدین معناست که فرد اسیر از مصرف هر گونه مواد غذایی در دسترس خود به غیر از آب و مقدار کمی نمک خودداری کند و این اقدام نادری است که اسرا به آن متوسل می‌شوند؛ چرا که این اقدام، به خاطر خطرهای سنگین جسمی و روانی که می‌تواند بر روی اسرا داشته باشد، خطرناک‌ترین و سخت‌ترین کاری است که آنها می‌توانند انجام دهند و در برخی موارد، منجر به شهادت تعدادی از آنها هم شده است. شهید عبدالقادر ابوالفحم که در تاریخ ۱۹۷۰/۷/۱۱ در جریان اعتصاب غذا در زندان عسقلان به شهادت رسید، اولین شهید جنبش اسیر فلسطین است که در جریان اعتصاب‌های غذا جان خود را از دست داده است. پس از وی، شهید «راسم حلاوه» و شهید «علی جعفری» هم در تاریخ ۱۹۸۰/۷/۲۴ در جریان اعتصاب غذا در زندان نفحه به شهادت رسیدند. شهید «محمود فریتخ» نیز پس از اعتصاب غذا در زندان جنید در سال ۱۹۸۴ و شهید «حسین نمر عبیدات» در تاریخ ۱۹۹۲/۱۰/۱۴ در زندان عسقلان به شهادت رسیدند.

البته اسرای فلسطینی در وضعیت عادی دست به چنین اقدامی نمی‌زنند، اما در صورتی که تمامی روش‌های مبارزاتی دیگر را امتحان کرده باشند و اداره زندان‌های صهیونیستی از طریق گفت‌وگو، خواسته‌های آنها را تقبل نکرده باشد، به این روش متوسل می‌شوند که آن هم ابزاری برای تحقق هدف است و خودش به تنهایی هدف نیست. اعتصاب غذا بیشتر از هر شیوه مبارزاتی دیگری بر روی اداره زندان‌ها و مراجع صهیونیستی و افکار عمومی تاثیر می‌گذارد و زمینه تحقق خواسته‌های انسانی و عادلانه این اسرا را فراهم می‌سازد و در کل، نبرد اراده و تصمیم است.

در زیر به مهم‌ترین اعتصاب‌های غذای اسرای فلسطینی در زندان‌های صهیونیستی‌اشاره می‌شود:

۱- اعتصاب غذای زندان رمله در تاریخ ۱۹۶۹/۲/۱۸ که این اعتصاب غذا ۱۱ روز به طول انجامید و اسرای فلسطینی خواستار بهبود کیفیت و افزایش مقدار غذای خود و نیز موافقت اداره زندان‌ها با وارد شدن لوازم‌التحریر شدند و همچنین مخالفت خود با قانون پاسخ دادن اسرا به زندانبان‌ها با لفظ «حاضرم آقا» و نیز ممنوعیت تجمع بیش از دو اسیر در محوطه زندان را اعلام نموده و خواستار افزایش «زنگ هواخوری» (زمانی که اسرا برای هواخوری از داخل بخش‌ها خارج شده و به محوطه زندان می‌روند) شدند. این اعتصاب غذا با سرکوب اسرای فلسطینی، حبس آنها در زندان‌های انفرادی و توهین به آنها به پایان رسید.

۲-اعتصاب غذای زندان کفار یونا در تاریخ ۱۹۶۹/۲/۱۸ که هشت روز به طول انجامید و با اعتصاب غذای زندان رمله همزمان شده بود. هدف از این اعتصاب غذا، درخواست تغییر «جومی» (تشک‌های پلاستیکی نازک که اسرا بر روی آنها می‌خوابیدند)، بهبود و افزایش کمیت غذاهای اسرا، وارد شدن لوازم التحریر به زندان‌ها و مخالفت با پاسخ دادن به زندانبان‌ها با لفظ «حاضرم آقا» بود و در نتیجه آن مجوز واردات مقدار خیلی کمی از لوازم‌التحریر به زندان به منظور فراهم شدن زمینه نامه‌نگاری با خانواده‌ها فراهم شد و استفاده از لفظ «آقا» برای پاسخ دادن به زندانبان‌ها از قاموس زندان‌ها پاک شد.

۳-اعتصاب غذای اسرای زن فلسطینی در زندان «نوی ترستا» در تاریخ ۱۹۷۰/۴/۲۸ که ۹ روز به طول انجامید و این اسرا در جریان آن مورد توهین و مجازات‌هایی مانند حبس در سلول‌های انفرادی قرار گرفتند. اداره زندان‌های صهیونیستی در آن زمان وعده بررسی و پذیرش خواسته‌های اسرا را داد، اما تنها بخش اندکی از این خواسته‌ها مانند بهبود سیستم تهویه بخش‌های زندان و افزایش زمان «زنگ هواخوری» و واردات برخی وسایل خاص مورد نیاز زنان به زندان از طریق سازمان صلیب سرخ مورد موافقت قرار گرفت.

۴-اعتصاب غذای زندان عسقلان در تاریخ ۱۹۷۰/۷/۵ که هفت روز به طول انجامید و اسرا در جریان آن خواستار واردات لوازم التحریر و لباس از سوی خانواده‌های خود به زندان و افزایش زمان «زنگ هواخوری» شدند، اما اداره زندان‌ها بر خلاف وعده اولیه، حاضر به پذیرش این خواسته‌ها نشد.

۵-اعتصاب غذای زندان عسقلان در تاریخ ۱۹۷۳/۹/۱۳ که تا تاریخ ۱۹۷۳/۱۰/۷ ادامه یافت.

۶-اعتصاب غذای نامحدود اسرای فلسطینی در تاریخ ۱۹۷۶/۱۲/۱۱ که از زندان عسقلان و به منظور بهبود وضعیت بازداشت اسرا آغاز شد و ۴۵ روز به طول انجامید. اداره زندان‌های صهیونیستی در نتیجه این اعتصاب غذا با واردات لوازم التحریر به زندان‌ها و انتقال نامه‌های اسرا به خانواده‌هایشان از طریق کتابخانه زندان و نیز بهبود کیفیت و کمیت غذاها و تعویض تشک‌های «جومی» مورد استفاده اسرا موافقت کرد.

۷- اعتصاب نامحدود اسرا در زندان عسقلان در تاریخ ۱۹۷۷/۲/۲۴ که ۲۰ روز به طول انجامید و ادامه اعتصاب قبلی بود؛ چرا که اداره زندان‌ها به برخی وعده‌های خود به اسرا عمل نکرده بود و از همین رو، اسرا اعتصاب غذای خود را از سر گرفتند.

۸- اعتصاب زندان نفحه در تاریخ ۱۹۸۰/۷/۱۴ که ۳۲ روز به طول انجامید. این زندان در تاریخ ۱ ماه مه همان سال افتتاح شده بود و تنها گنجایش ۱۰۰ اسیر را داشت. رژیم صهیونیستی با راه‌اندازی این زندان سعی در جداسازی رهبران و اعضای گروه‌های فلسطینی از دیگر اسرا را داشتند؛ چرا که جنبش اسیر توانسته بود اوضاع اسرا؛ به ویژه در زندان عسقلان و زندان مرکزی بئرالسبع را بهبود ببخشد.

در آن زمان، اسرای برجسته فلسطینی در زندان نفحه جمع‌آوری شدند و در شرایط بسیار سختی نگهداری می‌شدند و علاوه‌بر اینکه غذاهای فاسد به آنها داده می‌شد، خاک آنجا هم پر از رطوبت بود. رژیم صهیونیستی تعداد زیادی از اسرا را در هر اتاقی جمع می‌کردند و این در حالی بود که اتاق‌های این زندان فاقد هوا و اکسیژن لازم بود؛ چرا که درهای این اتاق‌ها محکم بسته می‌شد و دریچه‌های تهویه هوا هم خیلی کوچک بودند. مراجع صهیونیستی همچنین اسرا را از لوازم‌التحریر محروم می‌کردند و به آنها تنها یک ساعت در روز اجازه خروج از بخش‌ها و بندها و هواخوری در محوطه زندان را می‌دادند و رفتارهای ناشایستی هم با اسرا داشتند.

به همین دلیل، اسرای زندان صحرایی نفحه پس از هماهنگی با اسرای زندان‌های عسقلان و بئرالسبع تصمیم به اعتصاب غذا گرفتند و این اعتصاب غذا در تاریخ ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۸۰ آغاز شد، اما عناصر صهیونیستی به شدت به اعتصاب غذا کنندگان حمله کردند و اداره زندان‌ها خشونت زیادی علیه این اسرا به خرج داد، اما با این وجود، آنها به اعتصاب خود ادامه دادند و اداره زندان‌ها در اقدامی بی‌سابقه، اقدام به تغذیه اجباری به اسرا کرد و مواد غذایی را با شیلنگ‌های پلاستیکی و از راه سوراخ بینی به معده‌های اسرا انتقال داده می‌شد.

در نتیجه این وضعیت، تعدادی از اسرا که حالشان به شدت وخیم بود، به زندان «نیزان» در رمله انتقال داده شده و به شدت مورد شکنجه قرار گرفتند؛ به طوری که «راسم حلاوه» در تاریخ ۲۱ ژوئیه و «علی جعفری» بعد از وی جانشان را از دست دادند و نزدیک بود «اسحاق مراغه» نیز به آنها ملحق شود که حضور «لیئا زیمل» وکیل زن حامی اسرا در درمانگاه این زندان مانع از این کار شد، اما وی بعد از دو سال به شهادت رسید و مشخص شد که این حادثه ناشی از صدماتی بود که در جریان همان حادثه به وی وارد شده بود. «انیس دوله» نیز یکی دیگر از اسرای فلسطینی بود که در جریان همین اعتصاب غذا جان خود را از دست داد.

پس از شهادت این اسرا، زندان‌های دیگر هم به اعتصاب غذای ۳۳ روزه اسرای قبلی پیوستند و اداره زندان‌های صهیونیستی نیز در واکنش به این اعتصاب، حملات خشونت‌آمیزی را علیه اسرا ترتیب داد که همه این اقدامات زیر نظر «یوسف بورگ» وزیر امور داخلی وقت رژیم صهیونیستی صورت می‌گرفت. تعدادی از این اعتصاب غذا کنندگان از زندان نفحه به زندان رمله انتقال داده شدند و در کل، این اعتصاب غذا با خشونت و اقدامات بی‌رحمانه بی‌سابقه‌ای از سوی اداره زندان‌های صهیونیستی مواجه شد.

در سایه ادامه اعتصاب غذای اسرای فلسطینی، رژیم صهیونیستی اقدام به تشکیل کمیته «کیت» برای بررسی شرایط بازداشت اسرا؛ به ویژه در زندان نفحه کرد و این کمیته خواستار واردات تشک‌های جدید و توسعه مساحت اتاق‌ها و محوطه‌های زندان و نیز برداشته شدن سقف فلزی درب‌ها و جایگزین کردن نرده‌ها با آنها شد و بدین ترتیب، وضعیت بازداشت اسرا به صورت مستمر بهبود یافت و حتی تعداد اسرایی که در یک اتاق نگهداری می‌شدند، کاهش یافت و آلبوم‌های عکس و لوازم التحریر در اختیار اسرا قرار گرفت و اتاق‌های زندان به تدریج به تشک‌های نو مجهز شدند.

این اعتصاب غذا، به ویژه پس از شهادت تعدادی از اسرا به شکل ویژه و گسترده‌ای پوشش خبری و رسانه‌ای داده شد و جنبش همبستگی و حمایت گسترده مردمی از سوی خانواده‌های اسرا و حامیان شان شکل گرفت. اعتصاب مذکور همچنین باعث بهبود قابل ملاحظه شرایط نگهداری اسرا در زندان‌های صهیونیستی شد؛ هر چند که این تغییرات در حد کافی نبود.

۹- اعتصاب غذای زندان جنید در سپتامبر سال ۱۹۸۴ که ۱۳ روز به طول انجامید. این اعتصاب غذا پس از افتتاح زندان جنید در شهر نابلس (در ماه ژوئیه سال ۱۹۸۴) آغاز شد و منجر به تخلیه کامل اسرای فلسطینی از زندان بئرالسبع شد.

در آن زمان، اسرای زندان جنید دست به اعتصاب غذای نامحدود زده بودند و پس از گذشت ۱۳ روز، اسرای دیگر زندان‌ها نیز به آنها ملحق شدند. این اعتصاب غذا نقطه عطف راهبردی در تاریخ جنبش اسیر فلسطین بود؛ به طوری که «حاییم بارلیو» وزیر پلیس رژیم صهیونیستی در زندان جنید حاضر شد و ضمن گفت‌وگو با اسرای اعتصاب غذاکننده، قبول کرد که باید وضعیت زندگی و نگهداری این اسرا؛ به ویژه در برخی زمینه‌ها مانند استفاده از رادیو، تلویزیون، لباس‌های معمولی متفاوت از لباس زندان که جزء خطوط قرمز به شمار می‌رفتند، بهبود پیدا کند و اسرا اجازه استفاده از این وسایل را پیدا کردند و علاوه‌بر آن، کیفیت غذاها و خدمات درمانی که به اسرا ارائه می‌شد، بهتر شد و در آن زمان، توقف اعتصاب غذا اعلام شد و اسرای زندان‌های دیگر نیز با پذیرش این توافقات، اعتصاب خود را متوقف کردند.

این اعتصاب غذا نیز با جنبش همبستگی گسترده مردمی و برگزاری تظاهرات‌ها و تجمعات همبستگی آمیز مختلف همراه شد.

پس از این اقدامات بود که رئیس اداره زندان‌های رژیم صهیونیستی تغییر کرد و رئیس میانه‌روتری به نام «راوی سویسا» جایگزین وی شد که ضمن موافقت با خواسته‌های اسرا، اجازه داد خانواده‌های آنها برایشان روتختی و لباس‌های راحتی بیاورند و یا این اسرا از هدفون و نوار کاست‌ها استفاده کنند و در عین حال، مبلغ مجاز خرید اسرا از بوفه زندان را هم افزایش داد و حتی موافقت اولیه خود با استفاده اسرا از تلویزیون را هم اعلام نمود.

۱۰- اعتصاب غذای اسرا در زندان جنید در تاریخ ۱۹۸۷/۳/۲۵ که بیش از ۳ هزار اسیر فلسطینی دربند زندان‌های مختلف در آن مشارکت داشتند. این اعتصاب غذا که پس از انتصاب «دیوید میمون» به عنوان رئیس‌اداره زندان‌ها آغاز شده بود، ۲۰ روز به طول انجامید. میمون بسیاری از حقوق و دستاوردهای اسرا مانند دریافت لباس از خانواده‌هایشان و ملاقات اسرا با هم در بخش‌های دیگر را لغو کرد و مدت زنگ هواخوری آنها و کمیت غذاهایشان را هم کاهش داد و در کل، رفتار ناشایستی با این اسرا داشت و در نتیجه، اسرای زندان جنید دست به اعتصاب غذای نامحدود ۲۰ روزه زدند و در ادامه زندان‌های دیگر هم به این اعتصاب پیوستند.

با این وجود، این اعتصاب غذا بدون تحقق هر گونه نتیجه قابل ذکری به پایان رسید و صرفا وعده‌هایی از سوی اداره زندان‌ها داده شد که هیچ کدام از آنها هم محقق نشد و این مسئله زمینه‌ساز شکل گیری انتفاضه نخست فلسطین شد.

۱۱-اعتصاب غذای ۲۳ ژانویه سال ۱۹۸۸: در این تاریخ اسرای فلسطینی به نشانه همبستگی و همزمان با اعتصاب غذای رهبری یکپارچه انتفاضه فلسطین علیه رژیم صهیونیستی که در ماه دسامبر سال ۱۹۸۷ آغاز شده بود، دست به اعتصاب غذا زدند.

۱۲-اعتصاب غذای زندان نفحه در تاریخ ۱۹۹۱/۶/۲۳ که ۱۷ روز به طول انجامید. این اعتصاب در تاریخ ۲۳ ژوئن و در حالی که انتفاضه فلسطین علیه رژیم صهیونیستی شدت گرفته بود، در زندان صحرایی نفحه آغاز شد و «شائول لیوی» در پی انتقادات گسترده از عملکردش و امتیازاتی که به اسرا داده بود، از ریاست اداره زندان‌های صهیونیستی برکنار شد. در آن زمان دولت «اسحاق شامیر» در رژیم صهیونیستی روی کار بود و پس از لیوی، «گابی عامیر» ریاست اداره زندان‌ها را بر عهده گرفت که این مسئله با جنگ اول خلیج‌فارس و اعلام وضعیت فوق‌العاده در زندان‌های صهیونیستی همراه شده بود.

پس از پایان این جنگ، اداره زندان‌های صهیونیستی حاضر به بازگرداندن اوضاع به روال سابق و دوران قبل از اعلام وضعیت فوق‌العاده در زندان‌ها نشد و اقدامات متفاوتی در هر یک از زندان‌ها اتخاذ شده بود. در این شرایط، اسرای زندان نفحه در تاریخ ۲۱ ژوئن سال ۱۹۹۱ دست به اعتصاب غذا زدند تا اوضاع را به وضعیت سابق برگردانند، اما اسرای زندان‌های دیگر با آنها همراهی نکردند و اسرای زندان نفحه در این اعتصاب تنها ماندند.

این اعتصاب غذا ۱۶ روز به طول انجامید و با میانجیگری کمیته‌ای وکلای حقوقی باریکه غزه و صرفا با وعده‌هایی که این وکلا متعهد به اجرا شدن آنها شده بودند، به پایان رسید، اما هیچ کدام از این وعده‌ها محقق نشد و این اعتصاب از جمله اعتصاب‌های شکست خورده و بی‌نتیجه شد، اما زمینه اعتصاب غذای سال ۱۹۹۲ را فراهم کرد.

۱۳-اعتصاب غذای اسرا در تاریخ ۱۹۹۲/۹/۲۵ که اکثر زندان‌ها در آن مشارکت داشتند و نزدیک به ۷ هزار اسیر فلسطینی در جریان آن دست به اعتصاب غذا زدند و این اعتصاب ۱۵ روز به طول انجامید. پس از شکست اعتصاب غذای اسرای زندان نفحه در سال ۱۹۹۱، اسرای تمامی زندان‌ها خود را برای اعتصاب غذای گسترده آماده می‌کردند و در شرایطی که حملات بی‌رحمانه اداره زندان‌ها نزدیک به یک سال کامل به طول انجامید، این اعتصاب در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۲ در اکثر زندان‌های مرکزی و برخی بازداشتگاه‌ها آغاز شد.

در این اعتصاب غذا، زندان‌های جنید، عسقلان، نفحه، بئرالسبع و نابلس در تاریخ ۹/۲۷، زندان جنین در تاریخ ۹/۲۹، زندان الخلیل در تاریخ ۹/۳۰، زندان رام‌الله و اسرای زن دربند زندان تلموند در تاریخ ۱۰/۱، زندان رمله در تاریخ ۱۰/۵، زندان مرکزی غزه در تاریخ ۱۰/۱۰ و زندان‌های مجد، نقب، فارعه و شطه نیز در قالب همبستگی با دیگر اسرا دست به اعتصاب غذا کردند.

۱۴-اعتصاب غذای ماه ژوئن سال ۱۹۹۴ که تمامی زندان‌ها در آن مشارکت داشتند و اسرای فلسطینی پس از امضای توافقنامه قاهره (اول غزه-اریحا) و در اعتراض به ساز و کار اجرای بخش مربوط به آزادی ۵ هزار اسیر فلسطینی بر اساس این توافقنامه، دست به اعتصاب نامحدود غذا زدند و این اعتصاب ۳ روز به طول انجامید.

۱۵-اعتصاب غذای تاریخ ۱۹۹۵/۶/۱۸ با شعار (آزادی تمامی اسرای مرد و زن بدون هر گونه استثنا) که هدف از آن پیشبرد این مسئله در عرصه سیاسی در مرحله قبل از مذاکرات «طابا» بود. این اعتصاب ۱۸ روز به طول انجامید و پس از امضای توافقنامه اسلو، شروط بازداشت اسرا تا حد زیادی بهبود یافت و تعداد این اسرا در زندان‌ها پس از آزادی کاهش یافت و از شدت عملیات‌های انتفاضه نیز کاسته شد.

۱۶-اعتصاب غذای اسرای زندان عسقلان در سال ۱۹۹۶: تا این تاریخ، اعتصاب‌ها هنوز چارچوب سازمان یافته‌ای به خود نگرفته بودند و رهبری اسرا در زندان‌ها را بیشتراشخاصی برجسته بر عهده داشتند و اسرا همچنان هنگام خواب یک تکه تشک پلاستیکی زیر خود پهن می‌کردند.

اما اسرا در سال ۱۹۹۶ دست به اعتصاب غذای ۱۸ روزه زدند که در جریان آن تنها از آب و نمک استفاده می‌کردند. این اعتصاب با طرح یک سری وعده‌ها از سوی اداره زندان‌ها مبنی بر بهبود شروط حیاتی و به ویژه اعطای یک تشک اسفنجی به هر کدام از اسرا پایان یافت، اما اداره زندان‌ها از زیر وعده‌های خود شانه خالی کردند و از همین رو، اسرا مجبور به از سرگیری اعتصاب غذای خود شدند تا اینکه اداره زندان‌ها با تسلیم در برابر آنها، تشک‌های اسفنجی را در اختیار آنها قرار داد و تغییراتی در شرایط زندگی و بازداشت آنها ایجاد کرد.

۱۷-اعتصاب غذای اسرای فلسطینی در تاریخ ۱۹۹۸/۱۲/۵ که پس از اقدام رژیم صهیونیستی در آزادی ۱۵۰ زندانی کیفری در قالب قرارداد آزادی اسرا که بر اساس آن ۷۵۰ اسیر در چارچوب توافقنامه وای ریفر و در آستانه سفر «بیل کلینتون» رئیس‌جمهور آمریکا به منطقه، دست به اعتصاب غذا زدند. همزمان با این اعتصاب غذا، خیمه تحصنی هم به منظور همبستگی با اسرای اعتصاب غذاکننده در مقابل بنای یادبود سرباز گمنام در غزه بر پا شد. در این برنامه، ۷۰ اسیر آزاده فلسطینی دست به اعتصاب نامحدود غذا زدند.

۱۸-اعتصاب غذای اسرای فلسطینی در تاریخ ۲۰۰۰/۵/۱ که در اعتراض به سیاست حبس انفرادی و قید و بندها و شروطی که برای ملاقات اسرای فلسطینی با خانواده‌هایشان وضع شده بود، دست به اعتصاب غذا زدند و این اعتصاب نزدیک به یک ماه به طول انجامید و اسرا در جریان آن شعار آزادی خود به عنوان یکی از مقتضیات روند سازش را سر دادند. شهروندان فلسطینی هم به نشانه همبستگی با اسرا به پا خاستند و ۸ نفر از فلسطینیان در همان روزهای اعتصاب غذای اسرا در شهرهای قلقیلیه، نابلس، رام‌الله و الخلیل به شهادت رسیدند. علاوه‌بر این، ده‌ها نفر از اسرای آزاده فلسطینی هم به نشانه همبستگی با اسرای اعتصاب غذاکننده در زندان‌های صهیونیستی، در خیمه تحصنی که در نزدیکی دانشگاه الازهر در شهر غزه نصب شده بود، اعتصاب غذا کردند.

این اعتصاب غذا پس از آن آغاز شد که ۸۰ نفر از اسرای فلسطینی از دیگر اسرا در زندان هداریم جدا شده و در بخش سه حبس شده بودند. این زندان در شرایط بسیار سختی افتتاح شده بود و اداره زندان‌ها سعی داشت که اسرا را به جای باجه‌های معمولی، مجبور به ملاقات با خانواده‌هایشان از پشت موانع شیشه‌ای کند. شرایط بازداشت و زندگی اسرا در برخی عرصه‌ها هم به شدت تنزل پیدا کرده بود و اداره زندان‌ها بار دیگر آنها را مجبور به تن دادن به تفتیش با بدن برهنه می‌کرد.

اسرای زندان هداریم در این شرایط، دست به اعتصاب غذا زدند و تنها شیر و مایعات مصرف می‌کردند. در ادامه این راه، اسرای زندان نفحه و سپس زندان‌های عسقلان و شطه هم به اعتصاب غذا کنندگان پیوستند. در آن زمان شمار اسرای فلسطینی ۱۵۰۰ نفر بود.

اسرا در جریان این اعتصاب غذا خواستار موافقت اداره زندان‌ها با دیدار آنها با خانواده‌هایشان از طریق باجه‌های معمولی، برقراری تماس تلفنی، تحصیل در دانشگاه‌های عربی، توقف سیاست تفتیش با بدن‌های برهنه و انتقال افراد حبس شده در سلول‌های انفرادی بودند و اداره زندان‌های صهیونیستی اعلام کرد که مسائل انسانی را قبول می‌کند، اما خواسته‌های دارای بعد امنیتی را نمی‌پذیرد. در آن زمان، مسئولان سازمان شاباک برای گفت‌وگو با اسرا درباره این مسائل در زندان‌ها حاضر شدند و مقرر شد که اسرا هم هیچ اقدامی که رنگ و بوی نظامی داشته باشد، در داخل زندان‌ها انجام ندهند.

مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین